

کارکرد سوره‌های آغازین دورهٔ مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

مجتبی محمدی انویق^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴، صفحه ۱۳۶ تا ۱۵۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

دربارهٔ چگونگی دعوت پیامبر اکرم (ص) در سه سال نخست بعثت، اختلاف شده است. دیدگاه رایج آن است که پیامبر اکرم (ص) در سه سال نخست رسالت، مردم را مخفیانه به اسلام دعوت می‌کرد. از سوی دیگر، شماری از محققان، این دیدگاه را نمی‌پذیرند و بر این باورند که دعوت اسلامی از همان ابتدای بعثت، به صورت علنی انجام گرفته است. در میان این اختلاف‌ها، تاریخ‌گذاری و بررسی سوره‌های آغازین دورهٔ مکی به روش توصیفی - تحلیلی در کنار توجه به نقل‌های معتبر تاریخی و روایات تفسیری بسیار راهگشاست و نشان از آن دارد که اصل دعوت پیامبر اکرم (ص) مخفیانه نبوده است. لحن صریح و قاطعانهٔ سوره‌های نخستین قرآن در برخورد با مشرکان و دستور اکید به پیامبر اکرم (ص) جهت مقابلهٔ جسورانه با معاندان، علنی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) در آن دوران را تأیید می‌کنند. استخفای مطرح‌شده در روایات، مربوط به موقعیت‌های خاص برخی از اصحاب پیامبر اکرم (ص) است که با توجه به نداشتن پشتوانهٔ اجتماعی مناسب، قادر به علنی کردن اسلام خویش نبودند و جهت جلوگیری از کشمکش‌ها و آسیب‌های احتمالی، ایمان خود را تا زمان بهبود شرایط پنهان می‌داشتند.

کلیدواژه‌ها: رسالت پیامبر اکرم (ص)، تاریخ‌گذاری قرآن، سوره‌های آغازین مکی، دعوت مخفی، دعوت علنی.

کارکرد سوره‌های آغازین دوره مکّی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

درآمد

قرآن کریم از آغاز رسالت پیامبر اکرم (ص) تا پایان آن در کنار مسلمانان حضور داشته و دربارهٔ رخدادها و حوادث عصر نبوی سخن گفته است. خطوط اصلی تعامل‌ها و تقابل‌های پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان با گروه‌های مختلف آن دوران را می‌توان در این کتاب بازیابی کرد و بر همین اساس، دربارهٔ گزارش‌های تاریخی دیگر در ارتباط با موضوعات گوناگون قضاوت کرد؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) و سایر معصومان (ع) همواره نسبت به عرضهٔ اخبار بر قرآن کریم به‌عنوان معیاری روشن جهت شناخت صحت و سقم آن‌ها تأکید ورزیده‌اند (نک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱/ ۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۶۹).

قرآن کریم اصلی‌ترین و معتبرترین مرجعی است که می‌تواند مبنایی برای تحلیل و بررسی عصر پیامبر اکرم (ص) قرار گیرد؛ با این حال، سیره‌نویسان نخستین غالباً با هدف تقویت اخبار از آیات بهره گرفته‌اند و به ندرت به ابطال اخبار بر اساس آیات اقدام نموده‌اند (داداش‌نژاد، ۱۳۹۳ش، ۱۴۴). آنان در واقع اخبار و گزارش‌ها را فرض گرفته و آیات قرآن را با آن‌ها تطبیق داده‌اند و بر همان اساس تفسیر کرده‌اند. البته در دوره‌های بعد توجه به قرآن در سیره‌نویسی بیشتر شد و حتی بسیاری از اخبار سیره به‌ویژه آنهایی که موقعیت دینی و اخلاقی پیامبر اکرم (ص) را خدشه‌دار می‌کردند و با محتوای آیات قرآنی ناسازگار بودند، از سوی سیره‌نویسان ابطال شد و در عصر حاضر نیز توجه به آیات الهی در مطالعات سیره نبوی تقویت شده و قرآن به محور اساسی نگارش سیره تبدیل شده است (همانجا). اعتماد به گفته‌های سیره‌نویسان دربارهٔ زندگی‌نامهٔ پیامبر اکرم (ص) که البته در طول تاریخ دچار تغییرات و افزوده‌هایی شده‌اند، نیازمند شناخت مبنای فکری و هستهٔ اولیهٔ آنهاست؛ چه بسا سیره‌نویسان نخستین بر پایهٔ گزارش‌های نادرستی که به‌واسطهٔ برداشت‌های نادرست از یک رخداد صورت گرفته، ماجرابی را مطرح کرده‌اند که با بررسی مجدد منابع و عرضهٔ آنها به قرآن ابطال‌پذیر باشند. این کار مهم در این پژوهش دربارهٔ بخشی از زندگی‌نامهٔ پیامبر اکرم (ص) که با دعوت آن حضرت در سال‌های آغازین رسالت سر و کار دارد، انجام شده است.

طرح مسأله

چگونگی دعوت پیامبر اکرم (ص) در سال‌های آغازین رسالت، از مباحث مهم تاریخ اسلام و سیرهٔ نبوی است. طبق دیدگاه رایج، دعوت پیامبر اکرم (ص) در سه سال نخست بعثت، مخفیانه انجام شده است. با این حال، برخی از محققان، دیدگاه مشهور را در این باره نپذیرفته‌اند و به انحاء گوناگون سعی کرده‌اند علنی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) از همان ابتدای رسالت را اثبات کنند.

در میان این اختلافات، چیزی که کمتر به آن توجه شده، محتوای آیات نازل شده در سال‌های آغازین بعثت بوده است؛ چه آنکه قرآن کریم منبع قطعی شناخت سیره نبوی به شمار می‌رود و نگاه تاریخی به آن در اکثر موضوعات، اطلاعات روشنی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد (نک: دروزه، ۱۴۰۰ق، سراسر اثر؛ داداش‌نژاد، ۱۳۹۳ش، سراسر اثر). بر این اساس، نوشتار حاضر بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، دعوت پیامبر اکرم (ص) در سال‌های آغازین بعثت را با تحلیل موضوعی سوره‌های نازل شده در آن دوران واکاوی و بازشناسی کند و در کنار آن، برخی مؤیدات تاریخی و عقلی را نیز یادآور شود.

پیشینه پژوهش

تألیفات گوناگون تفسیر و علوم قرآنی، کتاب‌های حدیثی و کتب تاریخ و سیره نبوی، درباره چگونگی دعوت پیامبر اکرم (ص) در سه سال نخست بعثت مباحثی مطرح کرده‌اند. تفاسیر قرآن ذیل آیات مربوط به موضوع رسالت و دعوت پیامبر اکرم (ص) از جمله آیات سوره مبارکه علق، آیات آغازین سوره مدثر، آیه ۹۴ سوره‌ی حجر، آیه ۲۱۴ سوره شعراء و مواضع دیگر، راجع به این مطلب سخن گفته‌اند. کتاب‌های معاصر تاریخ اسلام و سیره نیز در بخش‌های مربوط به سه سال آغازین بعثت درباره این موضوع گفتگو کرده‌اند که نمونه آنها عبارتند از: *تاریخ پیامبر اسلام*، محمدابراهیم آیتی (صفحات ۸۹ تا ۱۰۸)؛ *فروع ابدیت*، جعفر سبحانی (صفحات ۱۹۹-۲۳۸)؛ *الصحیح من سیره النبی الأعظم*، جعفر مرتضی‌العاملی (جلد سوم)؛ *تاریخ تحلیلی اسلام*، سید جعفر شهیدی (ص ۴۱ به بعد)؛ *راه محمد (ص)*، سید رضا صدر (ص ۲۵۵: دعوت آشکار).

اکثر پژوهش‌های مذکور، مخفی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) را تأیید کرده‌اند؛ به این معنا که پیامبر اکرم (ص) در آغاز بعثت، تنها افرادی را که نسبت به آنان اطمینان کامل داشت به اسلام فرامی‌خواند و مأمور دعوت همگان به سوی آیین نوپای خود نبود. مستند این دیدگاه، روایاتی است که از دعوت مخفیانه برخی از افراد از سوی پیامبر اکرم (ص) به اسلام در سال‌های آغازین ظهور اسلام حکایت دارد (برای نمونه نک: ابن‌سعد، ۱۹۶۸ق، ۱/ ۱۹۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۱۱۵). با این حال، برخی از پژوهشگران از جمله محمدعزت دروزه در کتاب *التفسیر الحدیث و محمدعلی لسانی فشارکی و حسین مرادی زنجانی در کتاب درآمده بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی*، به عقیده مشهور مبنی بر مخفی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) اشاره کرده و به مخالفت با آن

۱. «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ».

۲. «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ».

کارکرد سوره‌های آغازین دوره مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت

دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

برخاسته‌اند. همچنین، برخی از محققان با نقد و بررسی روایات دعوت مخفی پیامبر اکرم (ص) به این نتیجه رسیده‌اند که اصل دعوت آن حضرت (ص) مخفی نبوده است؛ بلکه برخی از یاران پیامبر اکرم (ص) با توجه به موقعیت ناامن و شرایط خاص اجتماعی خود، قادر به علنی کردن اسلام خویش نبودند و به صورت مخفیانه ایمان می‌آوردند و پیامبر اکرم (ص) نیز با درک موقعیت این دسته از افراد، موجبات مخفی ماندن اسلام آنان را فراهم می‌کرد (حاصلی ایرانشاهی و همکاران، ۱۴۰۰ش، ۴۷-۷۰؛ محمدی انویق و خوش‌منش، ۱۴۰۰ش، ۶۳-۸۰). دیدگاه اخیر، هم‌جهت با روایاتی است که بر آشکار بودن دعوت اسلامی در سال‌های نخستین بعثت دلالت دارند و در کتب روایی و تاریخی وارد شده‌اند (برای نمونه نک: ابن‌حنبل، بی‌تا، ۲/ ۳۷۰؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ۴/ ۱۵۸-۱۵۹؛ مسلم، بی‌تا، ۸/ ۱۳۰؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ۶/ ۵۱۸؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۳۱۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۲/ ۱۶۲؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۱۰۹۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۲۵). همچنین در سال‌های اخیر مقالاتی نوشته شده و دیدگاهی را نقد کرده‌اند که سعی دارد با استفاده از آیات «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، ۲۱۴) و «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر، ۹۴)، دعوت مخفی پیامبر اکرم (ص) را اثبات کند. این مقالات بیانگر آنند که آیات مورد نظر نمی‌تواند اثبات‌کننده دعوت مخفی باشد و روایات مؤید دیدگاه مزبور نیز افزون بر داشتن تعارض‌ها و تناقض‌های درونی، با ترتیب نزول سوره‌های قرآن ناسازگار است. همچنین، این دیدگاه با محتوا و مضامین آیات مذکور در سیاق جزئی و قالب کلی سوره‌های شعراء و حجر و نیز با محتوای دیگر سوره‌های قرآن کریم در بافت‌های کلی‌تر مخالفت دارد (محمدی انویق و خوش‌منش، ۱۳۹۵ش، ۴۷-۶۲؛ حاصلی ایرانشاهی و همکاران، ۱۴۰۰ش، ص ۴۷-۷۰).

در میان اختلافات پیش‌گفته، پژوهش حاضر به دنبال آن است که در کنار توجه به قرائن گوناگون تاریخی و عقلی، به آیات قرآن کریم نیز در این باره توجه ویژه‌ای کند و سوره‌های آغازین مکی را که در مطالعات و پژوهش‌های پیشین دانش تاریخ قرآن بررسی و مشخص شده‌اند، از حیث متنی و محتوایی مورد بررسی قرار دهد و به این طریق، کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) را در سال‌های آغازین بعثت روشن‌تر سازد؛ چیزی که تاکنون با این دیدگاه به محتوای این سوره‌ها نگریسته نشده است.

۱. مقدمه‌ای درباره نزول قرآن در سال‌های آغازین بعثت

دیدگاه مشهور آن است که قرآن کریم از همان آغاز بعثت بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده و استمرار یافته است؛ با این حال، شماری از روایات موسوم به فترت وحی، بیانگر آنند که قرآن کریم

در سال‌های آغازین بعثت برای مدتی نازل نشده است (نک: ابن‌هشام، بی‌تا، ۱/ ۲۴۱؛ صنعانی، بی‌تا، ۳۲۲/ ۵؛ ابن‌حنبل، بی‌تا، ۶/ ۲۳۳؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ۶/ ۸۸).

فترت وحی در تاریخ نزول قرآن به معنای نازل نشدن قرآن برای مدتی در آغاز بعثت است. دو دسته روایت در این باره وجود دارد؛ دسته نخست - که اکثر روایات را شامل می‌شود - به فترت پس از نزول سوره علق و پیش از نزول سوره ضحی اشاره دارد؛ برای نمونه در ادامه برخی از روایات حاکی از نزول آیات آغازین سوره علق آمده است: «... آن‌گاه جبرئیل مدتی در نزول قرآن تأخیر کرد و خدیجه به پیامبر (ص) گفت: می‌بینم پروردگارت تو را رها کرده است. در این هنگام خداوند نازل کرد: «وَالضُّحَىٰ. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ» (طبری، ۱۳۸۷ق، ۱/ ۲۹۹-۳۰۰). روایات دیگری نیز در همین راستا و با اختلافاتی وارد شده است (نک: واحدی، ۱۴۱۱ق، ۳۰۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶/ ۳۶۰)؛ چنان‌که از جنذب بن عبدالله نقل شده که وحی برای مدتی بر رسول اکرم (ص) نازل نشد و زنی از قریش [به طعنه] گفت: شیطان محمد در آمدن نزد او تأخیر کرده است و سپس، سوره ضحی نازل شد (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۲/ ۴۳). دسته دوم از روایات، به فترت رخ داده پس از نزول سوره علق و پیش از نزول سوره مدثر اشاره دارد؛ چنان‌که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است: «پیامبر (ص) در حالی که از فترت وحی سخن می‌گفت، فرمود: در حال رفتن بودم که ناگهان صدایی از آسمان شنیدم؛ سر را بلند کردم و فرشته‌ای را دیدم که در غار حراء بر من نازل شده بود. او در تختی میان آسمان نشسته بود. ترسان نزد خانواده آمدم و گفتم: مرا بپوشانید. در این حال، خداوند نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ. قُمْ فَأَنْذِرْ. وَرَبِّكَ فَكْبُرْ. وَتَيَّابِكَ فَطَهِّرْ. وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ». پس از آن وحی به صورت متوالی و پشت سر هم نازل شد» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۶/ ۸۹؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۳۰۶).

روایات فترت وحی از جهات گوناگونی قابل خدشه‌اند. این روایات، تناقضاتی جدی با یکدیگر دارند؛ چنان‌که هر یک از آن‌ها، از علل مختلفی برای پدیداری فترت وحی سخن گفته‌اند که هیچ‌کدام معقول و پذیرفتنی نیست (نک: سبحانی، ۱۳۸۷ش، ۲۳۸-۲۴۵؛ فقهی‌زاده، ۱۳۷۸ش، ۲۱-۳۸؛ نکونام، ۱۳۸۱ش، ۹۱-۱۰۰). طبیعت نزول وحی چنین بود که بخش‌های گوناگون قرآن، در قالب آیه یا آیات جداگانه در مواضع گوناگون بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شد و بین دو واحد مستقل و حیانی همواره فترتی وجود داشت؛ بنابراین، واقعیتی به نام اتصال وحی در عصر نزول قرآن در صدر اسلام وجود نداشته و چنین نبوده است که وحی بر پیامبر اکرم (ص) به صورت یکپارچه و مستمر نازل شود (فقهی‌زاده، ۱۳۷۸ش، ۲۲). نزول وحی به صورت تدریجی بود و آیات

کارکرد سوره‌های آغازین دورهٔ مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت

دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

قرآن در طول بیست و سه سال در موقعیت‌های گوناگون، گاه در روز و گاه در شب، گاه در سختی و گاه در آسانی نازل می‌شد. گاه نزول آیات جدید تنها به فاصلهٔ اندکی پس از نزول آیات قبلی انجام می‌شد و گاه نیز بین دو وحی، فاصلهٔ بیشتری پدید می‌آمد. هر زمان بخشی از آیات به‌عنوان واحد مستقل و حیانی بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شد (صالح، ۱۳۷۲ ش، ۵۰). تعیین فواصل میان واحدهای و حیانی، در اختیار پیامبر اکرم و یا فرشتهٔ وحی نبود و این کار تنها به اذن خداوند انجام می‌گرفت. بر این اساس، میان دو واحد مستقل و حیانی همواره فترتی به وجود می‌آمده است؛ با این حال، روایاتی که به موضوع فترت وحی اشاره دارند، طبعاً آن را فترتی متمایز از فترت‌های عادی می‌دانند که با توجه به اختلاف آن‌ها، بین سه روز تا سه سال طول کشیده است.

نازل نشدن وحی به مدت چند روز یا چند هفته با توجه به مطالب مذکور مسئله‌ای غیرعادی به شمار نمی‌آید؛ اما عدم نزول آیات به مدت دو یا سه سال در سال‌های آغازین بعثت، امری قابل مناقشه است؛ زیرا بر خداوند متعال فرض است که هنگام فرستادن پیامبری با شریعت مستقل، او را به نشانه‌ای مجهز کند که مردم در تشخیص صحت گفتار او تردید نکنند (حلی، ۱۴۱۷ق، ۴۷۴). پیامبران در طول تاریخ برای اثبات نبوت خویش نیازمند معجزه بوده‌اند (خویی، بی‌تا، ۳۷). پیامبر اکرم (ص) در جامعه‌ای می‌زیست که مردمان آن به فرهنگ و زبان عربی خویش بسیار می‌نازیدند. فخر به پدران و خاندان و دارایی‌های دنیوی و خدایان خودتراشیده خویش از اعراب آن زمان مردمانی بس لجوج و خودسر پدید آورده بود که به راحتی حاضر نبودند در برابر فرهنگ‌های دیگر کرنش کرده و از باورهای پیشینیان خود دست بردارند. بزرگان عرب غالباً به خاطر منفعت‌های شخصی و بهره‌برداری از افراد ساده‌لوح و خوش‌باور و به جهت رسیدن به اهداف دنیوی و مادی خود چنان قداستی به فرهنگ جاهلی و آیین بت‌پرستی بخشیده بودند که به آسانی نمی‌شد حصارهای محکم آن را در هم شکست. در چنین فضایی بود که پیامبر اکرم (ص) مبعوث شد و همچون انبیاء گذشته نیازمند ارائهٔ نشانه‌ای خارق‌العاده جهت اقناع جامعه‌ای متعصب بود. با در نظر گرفتن فضای جامعه عصر رسالت، نیاز به معجزه‌ای که مدعیان فصاحت و بلاغت و فرهنگ عربی را به زانو در آورد و آنان را از تعصب و خودبرتربینی به سمت اسلام و تسلیم بکشاند، از همان آغاز احساس می‌شد. این معجزه می‌بایست دارای ویژگی‌هایی بود که به تمامی ادعاهای مشرکان عرب پاسخ می‌داد و آنان را از همه نظر ناتوان می‌ساخت که قرآن کریم به عنوان معجزهٔ پیامبر اکرم (ص) واجد تمامی ویژگی‌های یادشده بود. قرآن هم از حیث فصاحت و بلاغت در حد اعلی بود و هم از حیث قوانین و تشریحاتی که به کار می‌بست؛ هم ظاهری آراسته داشت و هم باطنی عمیق و

ژرف (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۱)؛ به همین خاطر از همان آغاز، دل‌های مشرکان را به خود جذب کرد. حال، آیا پذیرفتنی است قرآن به عنوان معجزه پیامبر اکرم (ص) و مهم‌ترین انگیزه پاسخ مثبت عرب به اسلام، نتواند در سخت‌ترین و مهم‌ترین شرایط، کارایی داشته باشد؟ آیا مشرکان در سال‌های آغازین بعثت بی‌خبر از قرآن کریم ایمان می‌آوردند؟ گزارش‌های موجود این مطلب را تأیید نمی‌کند؛ چه آنکه در طول سه سال نخست بعثت، نه تنها آیات قرآن نازل می‌شد، بلکه با بررسی شرایط پیامبر اکرم و مسلمانان در آن سال‌ها و نیز با توجه به اوضاع جامعه در عصر ظهور اسلام می‌توان گفت که بیشترین آیات قرآن در همان فاصله چند سال نخست بعثت نازل شده است. آیات قرآن در موقعیت‌های مختلف و در شرایط گوناگون بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شد و مهم‌ترین عامل پیش‌برد آیین اسلام در آغاز رسالت بود. قرآن کریم از همان روزها و ماه‌های نخست پیامبر اکرم را به تبلیغ آیین اسلام تشویق می‌کرد و او را به دعوت مشرکان به سوی خداوند یکتا فرامی‌خواند و با قاطعیت تمام در برابر دشمنان مشرک واکنش نشان می‌داد؛ چنان‌که آیات سوره علق در اعتراض به ابوجهل و جهت مقابله با او نازل شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۳۰/۱۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۷۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶/۳۶۹-۳۷۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۵/۵۷۲)؛ آیاتی از سوره مدثر در سرزنش ولید بن مغیره - که از روی شرارت، قرآن را سحر خوانده بود - نازل شد (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۹/۹۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۱۰/۷۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۴/۳۶۱-۳۶۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ۵/۵۱۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۵/۵۲۵). سوره مسد در برابر ابولهب و همسر وی موضع‌گیری کرد و سوره کافرون، درخواست کافران را مبنی بر تساهل و تسامح رد کرد و مرزهای بین اسلام و کفر را به صورت روشنی ترسیم نمود.

افزون بر مطالب فوق، محتوای سوره‌های مدثر و ضحی نیز با ماجرای فترت وحی تناسب ندارد. سوره مدثر که چهارمین سوره قرآن از حیث نزول است (طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/۲۹۹)، پیامبر اکرم (ص) را به انداز مردم و دعوت مشرکان فراخوانده و او را در این راه به صبر تشویق کرده است. این سوره، موضع‌گیری قاطعی در برابر مشرکان لجوج مکه نشان داده است؛ چنان‌که آیات ۱۱ به بعد آن در شأن ولید بن مغیره نازل شده که پیش از آن قرآن را می‌شنید و با وجود علم به وجوه اعجازآمیز آن، ایمان نمی‌آورد و جهت خوشایند مشرکان، آن را سحر می‌خواند (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴/۳۹۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶/۲۸۲؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۲/۵۰۷). در آیات سوره مدثر، کوچکترین اشاره‌ای به فترت وحی نیست و به صرف یک روایت نمی‌توان فترت وحی پیش از نزول آن سوره را پذیرفت (نکونام، ۱۳۸۱ش، ۹۴). با بررسی دقیق

کارکرد سوره‌های آغازین دوره مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت

دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

مضامین سوره ضحی نیز باید گفت که هیچ‌یک از روایات وارد شده درباره سبب نزول این سوره نمی‌تواند قابل قبول باشد. اگر دوره فترت وحی پس از سوره علق و پیش از سوره ضحی رخ داده باشد، سوره ضحی از حیث ترتیب نزول باید دومین یا سومین سوره باشد؛ حال آنکه این سوره بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها در جایگاه دهم یا یازدهم قرآن قرار دارد (ابن‌ضریس، ۱۴۰۸ق، ۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۶۱۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۳۴؛ معرفت، ۱۳۸۸ش، ۵۶-۵۷). بررسی سیاق سوره ضحی حاکی از آن است که اساساً آیات این سوره نمی‌توانند به موضوع فترت وحی اشاره داشته باشند؛ زیرا این آیات علاوه بر اینکه به صورت ضمنی به سختی‌ها و رنج‌هایی اشاره دارند که از سوی مشرکان بر پیامبر اکرم وارد می‌شده است، بیانگر لطف و رحمت خداوند متعال نسبت به پیامبر اکرم هستند؛ به دیگر سخن آیات این سوره به لطف الهی نسبت به پیامبر اکرم از همان روزهای نخست زندگی آن حضرت اشاره کرده است و او را به صبر و استواری در برابر مشکلات ناشی از مقابله مشرکان با اسلام و لجاجت‌ورزی آنان فراخوانده است. اگر آیات سوره مدثر اشاره به موضوع فترت وحی داشت لحن سخن باید به گونه‌ای دیگر بود؛ زیرا در این صورت می‌توان گفت دست‌کم گوشه‌ای از ناراحتی‌های پیامبر اکرم که ناشی از عدم نزول وحی بوده مربوط به خداوند متعال می‌شده است؛ یعنی خداوند خود باعث ناراحتی پیامبر اکرم شده است؛ در حالی که این مطلب مخالف با محتوای سوره ضحی و متعارض با روح آموزه‌های قرآن کریم و روایات است که رضایت پیامبر اکرم را همان رضایت خداوند می‌دانند و بالعکس. علاوه بر این، آیات چهارم و پنجم سوره ضحی: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّكَ مِنَ الْأُولَىٰ. وَكَسُوفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» به روشنی دلالت بر این مطلب دارند که آنچه موجب رنج و سختی پیامبر اکرم (ص) می‌شده است مربوط به امور دنیایی و گذرا بوده است که به ازای آن، خداوند متعال به پیامبر اکرم وعده آخرت و عطیایی بهتر داده است؛ نه اینکه مربوط به عدم نزول قرآن بر پیامبر اکرم و مسائل مرتبط با آخرت باشد.

۲. بررسی دعوت پیامبر اکرم (ص) در سوره‌های آغازین

قرآن کریم منبع قطعی شناخت سیره نبوی است و نگاه تاریخی به آن می‌تواند اطلاعات دقیقی در اختیار پژوهشگران قرار دهد. عدم توجه کافی به آیات قرآن در سیره‌نویسی، موجب شده است تا در پاره‌ای از وقایع، دوران زندگانی پیامبر اکرم (ص) در عین وضوح، غامض و پیچیده نمایانده شود و در طول سالیان متمادی دچار ابهام و تناقض گردد. علاوه بر این، در پاره‌ای از موارد، عدم توجه به قرآن کریم سبب شده است تا مفاهیم والای زندگانی پیامبر اکرم (ص) در عین تصریح آیات قرآن به صورت‌های نادرستی تفسیر شوند (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲ش، ۲۰).

۲۹، ۶۰، ۲۹۷-۲۹۶). چگونگی دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت که از سوی روایات و گزارش‌های تاریخی به صورت‌های گوناگونی توصیف شده است، یکی از موضوعاتی است که می‌تواند با پژوهش در آیات قرآنی نازل‌شده در آن دوران روشن‌تر شود. بر همین اساس، در ادامه بر آنیم که با تحلیل سوره‌های نازل‌شده در سال‌های آغازین دوره مکی، چگونگی دعوت پیامبر اکرم (ص) را در آن دوران بازشناسیم.

نزول نخستین سوره از قرآن کریم

در تعیین نخستین سوره نازل‌شده بر پیامبر اکرم (ص) میان دانشمندان اختلاف است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱/ ۱۰۶-۱۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۱۲۴-۱۲۷). اکثر روایات، سوره علق را نخستین سوره می‌دانند (نک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ۱/ ۳-۴؛ مسلم، بی‌تا، ۱/ ۹۷؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، ۱۴۰۹ق، ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۸/ ۲۰۵-۲۰۶) و برخی دیگر، سوره حمد را به جای آن معرفی می‌کنند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/ ۶۱۳؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ۲۲). برخی نیز در جمع این دو نظر، سوره علق را نخستین سوره نازل‌شده به طور مطلق و سوره حمد را اولین سوره کامل نازل‌شده می‌دانند (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۱۲۷).

دیدگاه نزول سوره حمد به عنوان نخستین سوره کامل می‌تواند قابل پذیرش باشد؛ چنان‌که سعید بن مسیب درباره ترتیب نزول سوره‌ها از امام علی (ع) نقل کرده است که فرمود: «از پیامبر (ص) درباره ثواب قرآن پرسیدم و ایشان ثواب همه سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول برایم بیان کرد؛ پس اولین سوره‌ای که بر ایشان در مکه نازل شد، «فاتحه الكتاب» بود و سپس سوره «علق» و...» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/ ۶۱۳). زمخشری گفته است که اکثر مفسران، فاتحه را نخستین سوره نازل‌شده از قرآن دانسته‌اند (نک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۷۷۵). واحدی نیز روایتی را از ابومیسره نقل کرده که در آن، سوره حمد، نخستین سوره نازل‌شده از قرآن کریم معرفی شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق، ۲۲). واحدی پس از ذکر روایت مورد نظر، این قول را به امام علی (ع) نسبت داده است (همانجا). شأن نزول سوره علق و محتوای آن نیز می‌تواند مؤید این دیدگاه باشد. در آیات سوره علق، سخن از شخصی در میان است که پیامبر (ص) را از اقامه نماز باز داشته است: (أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى. أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى. أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى. أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى. أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى. كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لَنْسَفَعَنَّ بِالنَّاصِيَةِ. نَاصِيَةً كَازِبَةٍ خَاطِئَةٍ. فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ. سَدَّعُ الرَّبَّانِيَةَ) (علق، ۹-۱۸). روایات شأن نزول این آیات، شخص مورد نظر را ابوجهل معرفی کرده‌اند. (ابن حنبل، بی‌تا، ۲/ ۳۷۰؛ مسلم، بی‌تا، ۸/ ۱۳۰؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ۶/ ۵۱۸). این آیات و روایات شأن نزول آن، حاکی از

آنند که ابوجهل، به دفعات پیامبر اکرم (ص) را از اقامه نماز باز داشته است و زمانی می‌توانند معنای درستی داشته باشند که گفته شود پیامبر اکرم (ص) پیش از نزول سوره علق به اقامه نماز پرداخته است.

برخی از مفسران در راستای حل تعارض میان مطالب مذکور و فرضیه نخستین سوره بودن سوره علق، بر این اعتقاد رفته‌اند که پیامبر اکرم (ص)، پیش از بعثت، مقام نبوت داشته و نماز می‌خوانده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰ / ۳۲۵). این سخن قابل پذیرش نیست؛ زیرا افزون بر اینکه هیچ نقل معتبری درباره نمازگزاردن آن حضرت (ص) در سال‌های پیش از بعثت در دست نیست، روایات فراوانی دلالت بر آن دارند که تشریح نماز بلافاصله پس از بعثت اتفاق افتاده است. در روایتی از زهری و قتاده و کلبی آمده است: «جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) شیوه وضو گرفتن و اقامه نماز را تعلیم داد و آیه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ را بر وی اقراء کرد؛ پس از آن، محمد (ص) نزد خدیجه (س) رفت و او را از چیزی که به وسیله آن خداوند وی را گرمی داشته بود، باخبر ساخت»^۱ (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۱۱۱). در خبر دیگری آمده است که پیامبر (ص) پس از یادگیری وضو به واسطه جبرئیل، وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد و سپس شادمان به سوی خدیجه (س) رفت و پس از باخبر ساختن او از این امر، به همراه وی نیز دو رکعت نماز خواند (همانجا). یعقوبی آورده است: «اولین نمازی که بر پیامبر (ص) واجب شد، نماز ظهر بود؛ جبرئیل نزد پیامبر آمد و وضو را به او آموخت. پس از آن، رسول خدا (ص) همانند جبرئیل وضو گرفت. جبرئیل شیوه خواندن نماز را نیز به پیامبر آموخت و پیامبر همانند او نماز گزارد ... آنگاه نزد خدیجه رفت و او را نیز از این امر باخبر کرد. خدیجه وضو گرفت و نماز گزارد؛ پس از چندی علی بن ابی طالب (ع)، پیامبر (ص) را در حال نماز دید و همانند وی، آن عمل را انجام داد (یعقوبی، بی تا، ۲ / ۲۳). بر این اساس، تشریح نماز بلافاصله پس از بعثت و پیش از نزول سوره علق بوده است. از سوی دیگر، بسیار بعید است که طریقه نمازخواندن پیامبر اکرم (ص) در ابتدای بعثت، متفاوت با سایر نمازهای ایشان و فاقد سوره فاتحه بوده باشد؛ چه آنکه هیچ گزارشی دال بر نبود سوره فاتحه در نمازهای نخستین وارد نشده است. به علاوه، بر اساس پاره‌ای از روایات و استنباط علما از آنها، هیچ نمازی

۱. مشابه این روایت در منابع دیگر نیز وارد شده است. برای نمونه، طبری آورده است: «جبرئیل برای نخستین بار روز شنبه و روز یکشنبه با پیامبر اکرم ملاقات کرد؛ آنگاه روز دوشنبه رسالت وی را ابلاغ کرد و پس از آن چگونگی وضو گرفتن و اقامه نماز را به او تعلیم داد و ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ را بر ایشان نازل کرد...» (طبری، ۱۳۸۷ق، ۲ / ۳۰۴).

بدون فاتحه‌الکتاب صحیح نبوده است (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۱۵۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱/ ۶؛ همو، ۱۴۲۱ق، ۱/ ۶۲). اکنون، پس از ذکر مقدمات فوق، سعی داریم کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) را در سوره‌های نخست قرآن بازبایم.

سوره حمد

با توجه به مطالبی که گفته شد، سوره «حمد» را می‌توان نخستین سوره کامل نازل شده از قرآن کریم دانست. این سوره که حمد و ستایش را در ذات خداوند منحصر می‌داند، مناجات‌نامه‌ای کامل است که در ابتدای بعثت نازل شده و چکیده آموزه‌های اسلامی را در خود گنجانیده است (در این باره نک: نصر، ۱۳۹۹ش، ۱/ ۹۷-۱۰۰). صراحت سوره در نفی پرستش خدایان دیگر در آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ مشهود است. آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ نشان از سرآغاز حرکت پیامبر اکرم (ص) دارد؛ چه آنکه این تعبیر هر چند در همه مراحل زندگی بایسته و شایسته است؛ اما سازگاری و مناسبت بیشتری با ابتدای مسیر هدایت الهی دارد. توجه کامل به خداوند و نفی هرگونه ربّ و سبب دیگر از مطالب کلیدی این سوره است. در روایات آمده است که پیامبر اکرم (ص) به همراه خدیجه (س) و علی (ع) در روزهای نخست بعثت نماز می‌گزارد. مشرکان مکه از همان روزهای نخست بعثت با رسالت پیامبر (ص) آشنا بودند؛ به گونه‌ای که بعضاً در گفتگوهای خود به کنایه می‌گفتند: «پسر عبدالمطلب از آسمان سخن می‌گوید» (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۱۱۶-۱۱۵).

سوره علق

سوره «علق» در روزهای نخست بعثت پیامبر اکرم (ص) نازل شده است و بدون تردید، بنا به اختلاف نظر دانشمندان در این باره، اولین یا دومین سوره نازل شده از قرآن است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱/ ۱۰۶-۱۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۱۲۴-۱۲۷). درباره چگونگی نزول این سوره، اقوال مختلفی وجود دارد. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که نخست، پنج آیه اول این سوره نازل شد و نزول سایر آیات آن در مراحل بعد اتفاق افتاد (نک: بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۱۱۰؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۳۰۱-۳۰۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶/ ۳۶۸). گزارش‌های دیگر بیانگر آنند که ابتدا هشت آیه اول یعنی تا «إِن الی ربک الرجعی» نازل شد و پس از نزول چند سوره دیگر، ادامه آن بر پیامبر (ص) وحی شد (نک: بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۱۱۰). عده‌ای نیز با توجه به اصل ترتیب طبیعی آیات در سوره‌های قرآن و با توجه به محتوای سوره علق، قائل به آنند که این سوره به صورت یک‌پارچه و منسجم نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰/ ۳۲۲).

در ابتدای سوره علق، دستور به قرائت آمده است: ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق، ۱). از

آنجا که مفعول «اقراً» در آیه مشخص نشده، بین مفسران در این باره اختلاف افتاده است. برخی از آنان، «باء» را زائده گرفته و «اسم رب» را مفعول فعل قرائت به شمار آورده‌اند (طوسی، بی تا، ۱۰/۳۷۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۴/۴۶۶). برخی دیگر، «باء» را استعانت گرفته و یک مفعول (همچون «القرآن»، «ما یوحی الیک» و مانند آن) برای فعل «اقراً» در تقدیر گرفته‌اند (نک: اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۱۰/۵۰۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵/۳۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰/۳۲۳). با این حال، این تخصیص‌های بیان‌شده، بدون قرینه‌اند و نظر ارجح آن است که مفعول «اقراً» به دلیل عام و گسترده بودن حذف شده است. قرائت در این آیه، اعم از قرائت قرآن و اقامه نماز و تبلیغ اسلام و دعوت مردم است؛ به عبارت دیگر، منظور از قرائت، جمع کردن و خواندن عالمیان به سوی خداوند است.

در آیات نهم به بعد سورهٔ علق، سخن از فردی در میان است که پیامبر (ص) را از اقامهٔ نماز نهی کرده و مکرراً در برابر دعوت آن حضرت ایستاده است. روایات تفسیری، این شخص را ابوجهل معرفی کرده‌اند که از همان روزهای نخست بعثت و حتی قبل از نزول سورهٔ علق، با پیامبر اکرم (ص) مقابله می‌کرده است و علت این تقابل‌ها و دشمنی‌ها، تبلیغ دین اسلام از سوی پیامبر (ص) و نماز گزاردن علنی وی به صورت مکرر در برابر دیدگاه مشرکان بوده است (نک: ابن حنبل، بی تا، ۲/۳۷۰؛ مسلم، بی تا، ۸/۱۳۰؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ۶/۵۱۸؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/۳۱۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۳/۱۰۹۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۲/۱۶۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۳/۲۵).

سورهٔ قلم

سورهٔ قلم در سال نخست بعثت و پس از سورهٔ علق نازل شده است (طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/۲۹۹). آیات این سوره بیانگر آن است که پیامبر اکرم (ص) رسالت خود را در برابر مشرکان مکه مطرح کرده بود و آیات قرآن را نزد آنان تلاوت می‌کرد؛ به گونه‌ای که از سوی مشرکان به جنون و دیوانگی متهم می‌شد. سخن از مقابلهٔ مشرکان با پیامبر اکرم (ص) در سورهٔ قلم که جزو سوره‌های آغازین قرآن است، حائز اهمیت است. در این سوره پس از سوگند به ابزار دانش، جنون‌آمیز بودن دعوت پیامبر (ص) نفی شده تا نشان از آن باشد که منشأ و سرچشمهٔ دعوت اسلام، علم الهی است. ادامهٔ آیات به وضوح دلالت بر این مطلب دارند که پیامبر اکرم (ص) قاطعانه با مشرکان برخورد می‌کرده است؛ زیرا آیات مربوطه، حضرت محمد (ص) را از اطاعت و تبعیت از مشرکانی که تمایل به تساهل و نرمی از سوی وی داشتند، نهی کرده است.

۱. لازم به ذکر است که برخی از واژه‌پژوهان، اصل واژه «قراً» را به معنای «جَمَع» دانسته‌اند (نک: ازهری، ۱۴۲۱ق،

۲۰۹/۹، جوهری، ۱۳۷۶، ۱/۶۴، ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ۴/۳۰، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۲۸).

آیات پایانی سوره قلم (آیات ۳۴-۵۲) نشان از آن دارند که در ابتدای بعثت، مرز بین اسلام و کفر کاملاً شناخته شده بود. این آیات به لجاجت و عدم پذیرش اسلام از سوی مشرکان اشاره کرده است. در این آیات تهدیدهای شدیدی متوجه تکذیب‌کنندگان پیامبر اکرم (ص) و تهمت‌زندگان به آن حضرت وارد شده و عاقبت کار آنان ذلت و خواری دانسته شده است.

سوره مدثر

بر اساس گزارش‌های تاریخی، سوره مدثر در همان اوایل بعثت پس از سوره‌های علق و قلم نازل شده است (نک: طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۲۹۹). اقوال دیگری نیز درباره زمان نزول این سوره وارد شده است؛ به‌گونه‌ای که برخی از روایات، آن را نخستین سوره نازل‌شده و برخی دیگر، زمان نزول آن را اندکی پس از نزول سوره علق دانسته‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۱۰۵؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۳۰۳-۳۰۶). با بررسی محتوای سوره مدثر، علنی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) و تقابل او با مشرکان در ماه‌ها و سال‌های ابتدایی رسالت آشکار می‌شود. در سوره مدثر نه تنها اثری از دعوت پنهانی دیده نمی‌شود؛ بلکه این سوره از همان ابتدا خطاب را متوجه پیامبر اکرم کرده و او را به حرکت در راه انذار فرمان داده است. واژه «انذِر» در آیه «قم فانذر» عام است و محدود به انذار شخص یا گروه خاصی نمی‌شود و هیچ توجیهی در جهت تخصیص یافتن این آیه به گروهی محدود وجود ندارد. طبق این آیات، پیامبر (ص) در اوایل بعثت، روزهای سخت و مشقت‌باری در پیش داشته‌اند؛ با این همه، راهکاری که قرآن کریم در این آیه پیش روی پیامبر (ص) گذاشته، صبر و استقامت است؛ نه پنهان‌کاری و اخفاء. همچنین لحن تندى که در ادامه آیات به کار گرفته شده به هیچ وجه با دعوت مخفی سازگاری ندارد: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا. وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا. وَبَنِينَ شُهُودًا. وَمَهَدْتُ لَهُ تَمَهِيدًا. ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ. كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا. سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا. إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ. فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ. ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ. ثُمَّ نَظَرَ. ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ. ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ. فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ. إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ. سَأَصْلِيهِ سَفَرًا. وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَفَرًا. لَأَبْقَىٰ وَلَآ تَذَرُ. لَوْ أَحَٰهَ الْبَشَرُ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ (مدثر، ۱۱-۳۰).

بر اساس روایات گوناگون، آیات مذکور در شأن ولید بن مغیره نازل شده است (قمی، ۱۳۶۷ق، ۲/ ۳۹۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۹/ ۹۶؛ طبری، ۱۳۷۲ش، ۱۰/ ۵۸۴)؛ چنان‌که او در اوایل بعثت، نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و آیات قرآن را شنید و به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. سخن که به ابوجهل رسید، نزد ولید رفت و گفت: ای عمو، قوم تو تصمیم دارند ثروتی گرد آورده و آن را به تو بخشند؛

کارکرد سوره‌های آغازین دوره مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

زیرا می‌دانند که تو نزد محمد رفتی تا از آنچه نزد اوست، برخوردار شوی. ولید پاسخ داد: چنین نیست؛ آنان خود به خوبی می‌دانند که من از ثروتمندترین افراد قریش هستم. ابوجهل گفت: پس سخنی بگو تا قومت اطمینان یابند که منکر کلام محمد هستی و آن را ناپسند می‌دانی. ولید گفت: چه بگویم؟! به خدا سوگند هیچ‌کس در میان شما آگاه‌تر از من به اشعار عرب نیست و کسی چون من از رجز و قصیده و اشعار جنیان اطلاع ندارد. آنچه محمد می‌گوید شبیه هیچ‌کدام از این‌ها نیست. در سخن او حلاوت و شیرینی خاص و جذابیت و زیبایی فراوانی وجود دارد. درخت کلام او از بالا پرثمر و از زیر پرآب است. کلام او برترین نوع سخن است و سخنان دیگر در برابر آن جایگاهی ندارند. ابوجهل در این حال گفت: قومت از تو خشنود نخواهند شد، جز آنکه سخنی در این باره بر زبان آوری. ولید گفت: بگذار اندکی فکر کنم. آنگاه گفت: آن، سحر و جادویی است که محمد از دیگری آموخته است. در این هنگام آیات ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا...﴾ نازل شد (نک: حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۲/ ۵۰۷).

۳. قرائن تاریخی و روایی دعوت علنی پیامبر اکرم (ص)

در مقابل روایات حاکی از مخفی بودن دعوت اسلام در سال‌های ابتدایی بعثت، شماری از روایات دلالت بر آشکار بودن دعوت اسلامی در سال‌های نخستین بعثت دارند که در ادامه به ذکر و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف- روایات حاکی از برپایی علنی نماز در ابتدای بعثت

روایات متعددی با الفاظ گوناگون در منابع روایی وارد شده است که نشان می‌دهد پیامبر اکرم (ص) در سال‌های نخست بعثت رسالت خود را علنی کرده بود و در خانه کعبه به اقامه نماز می‌پرداخت (رک: طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۳۱۱؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۱۰۹۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۲/ ۱۶۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۲۵). در یکی از این گزارش‌ها از زبان بازرگانی به نام عفیف نقل شده است: «در ایام حج به مکه رفتم و نزد عباس اقامت گزیدم. زمانی که همراه او بودم، ناگهان مردی برای اقامه نماز روبروی کعبه قیام کرد. پس از او زنی وارد شد و در کنار وی ایستاد، آنگاه پسری آمد و با او به نماز ایستاد. گفتم ای عباس، این چه آیینی است؟ گفت: این شخص، محمد بن عبدالله است که می‌گوید خداوند او را به سوی مردم فرستاده است. او معتقد است گنج‌های قیصر و کسری به زودی برای او فتح خواهد شد. زنی که در کنار اوست، همسرش خدیجه بنت خویلد است. آن نوجوان نیز پسرعموی او علی بن ابی‌طالب است که پیرو آیین او گشته است. عفیف پس

از ذکر این داستان گفته است: کاش آن زمان به پیامبر (ص) ایمان می‌آوردم و چهارمین مسلمان بودم» (طبری، ۱۳۸۷ق، ۲/ ۳۱۱).

ب- روایات حاکی از آشنایی مشرکان با اسلام

برخی از روایات، بیانگر آنند که مشرکان مکه در روزهای نخست بعثت، از رسالت پیامبر اکرم (ص) آگاهی داشتند و در واکنش به آن، اقداماتی از خود بروز می‌دادند؛ چنانکه هر زمان آن حضرت را می‌دیدند، به طعنه می‌گفتند: «فرزند عبدالمطلب از آسمان سخن می‌گوید». بدیهی است مطابق با این گزارش‌ها دعوت پیامبر اسلام در سال‌های آغازین نمی‌تواند مخفیانه یا خصوصی بوده باشد؛ چنانکه در روایتی نقل است: «پیامبر اکرم (ص) مخفیانه به اسلام دعوت کرد و از پرستش بتان نهی فرمود. در این مدت برخی از نوجوانان، جوانان و طبقات پایین اجتماع به او ایمان آوردند. در طول این دوره کافران قریش در صدد مقابله با گفته‌های پیامبر اکرم بر نمی‌آمدند؛ زمانی که رسول خدا از کنار آنان عبور می‌کرد به آن حضرت اشاره می‌کردند و می‌گفتند: پسر عبدالمطلب از آسمان سخن می‌گوید. وضعیت بر این منوال گذشت تا اینکه پیامبر اکرم عیب‌جویی از خدایان آنان را آغاز کرد و خبر داد که پدران آنان بر سبیل کفر و گمراهی مرده‌اند و جایگاهشان در آتش خواهد بود. مشرکان پس از آن با پیامبر اسلام دشمنی کردند و او را مورد آزار و اذیت قرار دادند» (بلاذری ۱۴۱۷ق، ۱/ ۱۱۶-۱۱۵).

روایات دیگری نیز دلالت بر تقابل مسلمانان و مشرکان در سال‌های آغازین ظهور اسلام دارند. مهم‌ترین این روایات همان است که سعد بن ابی‌وقاص را اولین جاری‌کننده خون در راه اسلام معرفی می‌کند. بنا به گفته این روایت، عده‌ای از مشرکان به تعقیب مسلمانان پرداختند و آنان را مشغول خواندن نماز در یکی از دره‌های مکه یافتند و با آنان درگیر شدند. این روایت بیانگر آن است که مشرکان مکه با اسلام و دعوت اسلامی کاملاً آشنایی داشتند و بعضاً مسلمانانی را که مخفیانه اسلام می‌آوردند، پی‌گیری می‌کردند و آنان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. توجه به این نکته در این روایت ضروری است که مشرکان مذکور به محض مشاهده نمازگزاران مسلمانان بر آنان عیب گرفتند و آنان را از این کار نهی کردند. نکته مهم دیگری که از این روایت برداشت می‌شود این است که مخفی کردن اسلام در سال‌های آغازین بعثت به معنای مخفی بودن اصل دعوت اسلام نبوده است؛ بلکه پیامبر اکرم علناً رسالت خود را اعلام کرده بودند؛ تنها برخی از تازه‌مسلمانان بودند که بنا به ملاحظات خاصی از جمله ترس از قبیله و بستگان مشرک خود مجبور به کتمان اسلام و پنهان کردن ایمان خویش می‌شدند (رک: طایی، ۱۳۸۲ق، ۱/ ۲۵۲). با استفاده از

کارکرد سوره‌های آغازین دوره مکى همراه با قرائن تاريخى و عقلى در بازيايى كيفيت دعوت پيامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

اين روايات، مى‌توان به مشروعيت تقية اصحاب در زمان پيامبر اکرم (ص) نيز پي برد.

پ- روايات منقول از سوي عمرو بن عبسه سلمى

در برخى از روايات، عباراتى به كار رفته كه نشان از پخش شدن خبر رسالت پيامبر اکرم (ص) در اوایل بعثت در مناطق گوناگون دارد. برای نمونه از عمرو بن عبسه سلمى نقل است: «در اوایل بعثت كه خبر رسالت پيامبر (ص) به گوشم رسيد نزد آن حضرت رفته و گفتم: امر خویش را برای من شرح بده. رسول خدا رسالت خود و آنچه را كه خداوند او را بدان مبعوث کرده بود برایم شرح داد. گفتم: آیا كسى تاكنون تو را در اين دين پیروی کرده است؟ فرمود: بلى، يك زن و يك نوجوان و يك برده پیرو آيين من شده‌اند؛ منظور پيامبر، خديجه بنت خويلد و على بن ابى‌طالب و زيد بن حارثه بود» (يعقوبى، بى‌تا، ۲/ ۲۴).

اين روايت بيانگر آن است كه خبر رسالت پيامبر اکرم (ص) در اوایل بعثت پخش شده و به گوش راوى (عمرو بن عبسه) رسیده بود؛ به همین خاطر او برای كسب اطلاعات بیشتر در اين باره راهى مكه شده بود.

در روايتى ديگر از عمرو بن عبسه سلمى آمده است: «در دوران جاهليت بر اين اعتقاد بودم كه مردم در گمراهى به سر مى‌برند و آيين درستي ندارند. روزى خبر رسالت پيامبر اکرم (ص) از مكه به گوشم رسيد. سوار بر شتر شدم و به قصد زيارت او به مكه رفتم. آن زمان هنگامى بود كه پيامبر در حالت استخفاء به سر مى‌برد؛ زيرا قوم ايشان در آن زمان به مخالفت با او جرأت و تسلط داشتند. با احتياط در جستجوى پيامبر حرکت كردم تا اينكه به او رسيدم و پرسيدم: تو كيستى؟ فرمود: من پيامبر خدا هستم. گفتم: پيامبر چيست؟ فرمود: خداوند مرا به سوي فرستاده است. گفتم: او تو را به چه خاطر فرستاده است؟ فرمود: مرا به صله ارحام و شكستن بت‌ها و دعوت به پرستش خدای يگانه فرستاده است. به او گفتم: در اين امر چه كسانى پیرو تو شده‌اند؟ فرمود: يك آزاد و يك برده. گفتم: از تو پیروى مى‌كنم. فرمود: تو اكنون در اين موقعيت توانايى اين كار را نداری. آیا حال من و حال مردم را نمى‌بينى؟ به سوي خانواده خود بازگرد و زمانى كه خبر ظهور و پیروزی مرا شنيدى نزد من آى. عمرو در ادامه روايت گفته است: نزد خانواده خویش رفتم تا اينكه پيامبر (ص) به مدينه هجرت كرد... آنگاه به مدينه رفتم و گفتم: اى رسول خدا، آیا مرا مى‌شناسى؟ پاسخ فرمود: بلى، تو همانى كه در مكه با من ملاقات كرد. گفتم: بلى...» (مسلم، بى‌تا، ۲/ ۲۰۸-۲۰۹).

در قسمتى از اين روايت هرچند از استخفاء سخن رفته است؛ با اين همه، روايت واجد نكاتى

است که خلاف عقیده‌ی مخفی یا خصوصی بودن دعوت اسلامی در روزهای آغازین بعثت است؛ از جمله اینکه حاکی از آن است که اولاً خبر رسالت پیامبر اکرم حتی خارج از مرز مکه در بین مردم پخش شده بود و برخی از افراد برای آشنایی بیشتر با پیامبر اکرم (ص) و رسالت او به مکه سفر می‌کردند. ثانیاً چنین نبوده است که پیامبر اکرم (ص) تنها کسانی را که به اطمینان کافی به آنان داشت، از رسالت خود آگاه کند؛ بلکه در موارد بسیاری، خود افراد از مکان‌های مختلف نزد پیامبر اکرم (ص) می‌آمدند و به او ایمان می‌آوردند. مطلب دیگر اینکه در این روایت، به تقابل پیامبر اکرم (ص) با قریش اشاره شده است. راوی روایت هنگام ملاقات با پیامبر اکرم (ص)، سؤالاتی را درباره‌ی رسالت آن حضرت مطرح می‌کند و پیامبر (ص) به صراحت تمام به سؤالات وی پاسخ می‌دهد. اما اینکه پیامبر اکرم از عمرو بن عبسه خواسته است به شهر خود برگردد، نمی‌تواند نشان از مخفی بودن دعوت اسلامی باشد؛ چه اینکه سفارش پیامبر اکرم به خاطر موقعیت خود عمرو انجام گرفته است.

ت- روایت اسلام آوردن ابوذر غفاری

روایت اسلام آوردن ابوذر را می‌توان یکی از مهم‌ترین روایات درباره‌ی چگونگی دعوت پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام دانست. این روایت نسبتاً طولانی را محدثانی چون بخاری و حاکم نیشابوری در کتب خود ذکر کرده‌اند. خلاصه‌ی روایت اینکه در اوایل رسالت، ابوذر که داستان بعثت پیامبر را شنیده بود، برادر خود را به جهت اطلاع از اخبار پیامبر اکرم (ص) راهی مکه می‌کند. برادر ابوذر پس از بازگشت از سفر مکه به نزد ابوذر می‌رود و پیامبر (ص) را فردی معرفی می‌کند که دعوت به نیکی‌ها می‌کند و از بدی‌ها باز می‌دارد. پس از چندی خود ابوذر به مکه سفر می‌کند تا به صورت مخفیانه با پیامبر اسلام دیدار کند. او برای این کار به مسجدالحرام می‌رود. علی (ع) ابوذر را در مکه غریب می‌یابد و او را مهمان خانه‌ی خود می‌کند. ابوذر صبح روز بعد دوباره به مسجدالحرام می‌رود و باز علی (ع) او را می‌بیند و به منزل خود دعوت می‌کند. وقتی علی (ع) از کار ابوذر در مکه سؤال می‌کند او از علی (ع) می‌خواهد که منزل پیامبر (ص) را به او نشان دهد و این امر را از دیگران پنهان دارد. ابوذر پس از ورود به منزل پیامبر اکرم (ص) شهادتین می‌گوید و مسلمان می‌شود. پیامبر در آن لحظه به ابوذر سفارش می‌کند که اسلام خود را پوشیده نگه دارد و به شهر خود بازگردد و پس از شنیدن خبر ظهور اسلام در مدینه به سوی پیامبر باز آید. ابوذر در پاسخ می‌گوید: سوگند به خداوندی که تو را به حق فرستاده است، اسلام خود را در برابر چشمان مشرکان فریاد خواهم زد. آنگاه به طرف مسجد می‌رود و در حالی که عده‌ای از قریش حضور

کارکرد سوره‌های آغازین دورهٔ مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

داشتند، بانگ می‌زند: ای قریش، من شهادت می‌دهم که جز الله خدایی نیست و محمد، بنده و فرستادهٔ اوست. مشرکان در این لحظه او را دشنام می‌دهند و به شدت مضروبش می‌کنند تا اینکه عباس، عموی پیامبر او را از دست آنان نجات می‌دهد (نک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ۴/ ۱۵۸-۱۵۹؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۳/ ۳۳۹؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ۶/ ۱۸۲).

بر اساس روایت فوق نیز، خبر ظهور پیامبر اکرم (ص) علاوه بر شهر مکه در خارج آن نیز پیچیده بود و به این خاطر، ابوذر از رسالت آن حضرت مطلع شده بود. ترس ابوذر در ابتدای ورود به مکه نشان از آن دارد که مشرکان مکه با آیین جدید آشنایی داشتند و نسبت به کسانی که در جستجوی پیامبر (ص) به مکه می‌آمدند واکنش نشان می‌دادند. طبق این روایت، پیامبر اکرم (ص) پس از مسلمان شدن ابوذر به او سفارش کرده است که جهت حفظ امنیت شخصی، اسلام خود را پنهان بدارد؛ اما ابوذر که می‌خواست راسخ بودن عقیده و وفاداری خود را اثبات کند، اسلام خود را در مسجدالحرام و در میان مشرکان قریش اعلام کرده است. اگر اصل دعوت پیامبر اکرم به صورت مخفیانه بود؛ ابوذر به چه حقی اسلام خود را علی‌رغم سفارش رسول اکرم علنی کرد؟! چرا پیامبر اکرم و علی (ع) آن هنگامی که ابوذر به آن‌ها گفت اسلام خود را در میان قریش آشکار خواهد کرد به او اعتراض نکردند که اصل دعوت اسلام مخفی است و نباید آشکار شود؟ برخورد آنی مشرکان با ابوذر پس از اعلام مسلمانی از سوی او در مسجد الحرام نشان از آن دارد که آنان کاملاً با ظهور اسلام و رسالت پیامبر اکرم آشنایی داشتند؛ در غیر این صورت گفته‌های ابوذر برای آن‌ها نباید حساسیت خاصی برمی‌انگیخت تا جایی که به قصد کشتن ابوذر او را مورد ضرب و شتم قرار دهند.

۴. قرائن عقلی دعوت علنی پیامبر اکرم (ص)

برخی از قرائن عقلی نیز مخالف با مخفی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) در سال‌های آغازین هستند که در ادامه به ذکر آنها می‌پردازیم.

الف- غیر ممکن بودن دعوت مخفی

مهم‌ترین هدف از رسالت پیامبران الهی در طول تاریخ، تبلیغ آیین یکتاپرستی و دعوت آشکار مشرکان و کافران به سوی خداوند متعال بوده است. در طول تاریخ هیچ پیامبری پس از برگزیده شدن به رسالت الهی حتی با وجود مواجهه با سختی‌ها و مشکلات فراوان در راه تبلیغ دین، دعوت و رسالت خویش را پنهان نکرده است. اصولاً دعوت پنهانی افزون بر آنکه با هدف رسالت پیامبران در تناقض است، امری غیرممکن به شمار می‌آید؛ زیرا طبیعتاً انتظار نمی‌رفته است که همهٔ آنانی که

از سوی پیامبر اکرم (ص) به اسلام دعوت می‌شوند، بدون چون و چرا آیین اسلام را بپذیرند و مخالفی با آن نکنند؛ بنابراین کافی بود تنها یکی از مشرکان، دعوت پیامبر را نمی‌پذیرفت و موضوع رسالت او را نزد دیگران فاش می‌کرد (نکونام، ۱۳۸۲ ش، ۷۸).

ب- مترتب نبودن فایده‌ای بر دعوت مخفی

بررسی شرایط موجود در سال‌های آغازین بعثت نشان از آن دارد که دعوت پنهانی نمی‌توانسته است تأثیر بخصوصی در روند رو به رشد اسلام داشته باشد. دعوت مخفی پیامبر اکرم اگر به قصد جذب افراد برای تقویت بدنه اسلام و آمادگی جهت رویارویی با مشرکان بوده باشد؛ در این صورت باید پیامبر اکرم (ص) در دوران سه‌ساله دعوت مخفی بیشتر به دنبال دعوت بزرگان و افراد بانفوذ و قدرتمند می‌بود؛ حال آنکه اکثر ایمان‌آوردندگان سال‌های ابتدایی بعثت از طبقات زیرین اجتماع و از فقیران و ضعیفان بودند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۱۱۵). نکته جالب اینکه در روایات دعوت مخفی آمده است که پیامبر اکرم (ص) تمایلی به دعوت ابوطالب به آیین اسلام نداشت؛ حال آنکه با توجه به گزارش‌های گونه‌گون، جای تردید نیست که ابوطالب از همان ابتدا که از امر رسالت الهی باخبر شد، به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد و همواره از وی حمایت کرد و در برابر دشمنان، از او پشتیبانی کرد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲ / ۳۲۶-۳۲۷). چگونه ممکن است پیامبر اکرم (ص) مهم‌ترین حامیان خویش را با دعوت نکردن افرادی چون ابوطالب از دست بدهد؟!

ج- تأثیرات منفی دعوت مخفی

پیامبر اکرم (ص) از یک قبیله مهم قریش و تحت حمایت عمومی خود ابوطالب بود. مخفی کردن دعوت در سال‌های نخست بعثت نه تنها امری کارساز نبود؛ بلکه امکان بروز حساسیت‌ها و واکنش‌های قریش را به مراتب گسترش می‌داد. مبعوث شدن به رسالت الهی و مخفی داشتن آن از بزرگان قریش بخصوص نزدیکان پیامبر اکرم (ص) امری نیست که به سادگی بتوان از کنار آن عبور کرد. پنهان کردن دعوت اسلام در سال‌های نخست بعثت می‌توانست این شبهه را در اذهان دیگران به وجود آورد که دعوت پیامبر اکرم فاقد پشتوانه محکم الهی است. پیامبر اکرم (ص) حدود چهل سال در میان قریش زیسته بود. این چهل سال، بهترین مقدمه برای آغاز رسالت الهی به شمار می‌رفت. او در میان قریش به امانت‌داری و راست‌گویی مشهور بود. قریش، سخنان او را بی‌چون‌وچرا می‌پذیرفتند. روش دعوت مخفی در چنین شرایطی می‌توانست تا حد زیادی اعتبار گذشته پیامبر اکرم (ص) به صداقت و امانت‌داری را خدشه‌دار کند.

نتیجه

کارکرد سوره‌های آغازین دورهٔ مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

سوره‌های آغازین دورهٔ مکی کارکرد ویژه‌ای در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت دارند. بررسی محتوایی این سوره‌ها با توجه به گزارش‌ها و نقل‌های گوناگون تاریخی و روایات تفسیری نشانگر آن است که پیامبر اکرم (ص) از آغاز رسالت، مردم را به صورت علنی به اسلام دعوت می‌کرد. لحن صریح و قاطعانهٔ سوره‌های نخستین قرآن در برخورد با مشرکان مکه و دستور به پیامبر اکرم (ص) جهت مقابلهٔ بی‌پروا و جسورانه با آنان، از نشانه‌های این دعوت آشکار است. استخفای مطرح‌شده در برخی روایات، مربوط به موقعیت خاص برخی از یاران پیامبر (ص) بود که قادر به علنی کردن اسلام خویش نبودند و جهت جلوگیری از درگیری‌ها و آسیب‌های احتمالی، ایمان خود را تا شکل‌گیری وضعیت مناسب پنهان می‌داشتند.

قرائن تاریخی و روایی متعددی حکایت از علنی بودن دعوت پیامبر اکرم (ص) در سال‌های نخست بعثت دارند که از جملهٔ آنها می‌توان به روایات حاکی از برپایی علنی نماز در روزهای نخست بعثت، روایات عمرو بن عبسه سلمی و روایت اسلام آوردن ابوذر غفاری اشاره کرد. دعوت مخفی پیامبر اکرم در سال‌های نخست بعثت، امری ناممکن بوده است. صرف نظر از این، مخفی بودن دعوت پیامبر اکرم در آن دوران نه تنها کارساز و مترتب فایدهٔ بخصوصی نبود؛ بلکه می‌توانست پیامدهای منفی بسیاری را به دنبال داشته باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمهٔ محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، عربستان سعودی، مکتبهٔ نزار مصطفی الباز.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.
۵. ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر.
۶. ابن سعد، محمد (۱۹۶۸ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.
۷. ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب (۱۴۰۸ق)، *فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمکه و ما أنزل بالمدینه*، دمشق، دار الفکر.
۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفهٔ الأصحاب*، بیروت، دار الجیل.

۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دار الفکر.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایه و النهایه*، بیروت، دار الفکر.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۱۲. ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، *السیره النبویه*، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبي، بیروت، دار المعرفه.
۱۳. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. اندلسی، ابوحنان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دارالفکر.
۱۵. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بی جا، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۷. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق)، *أنساب الأشراف*، بیروت، دار الفکر.
۱۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، *دلایل النبوه*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۰. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی (الجامع الصحیح)*، بیروت، دار الفکر.
۲۱. *تفسیر منسوب به امام حسن عسکری* (۱۴۰۹ق)، قم، مدرسه الإمام المهدي.
۲۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، *الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)*، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۵. حاصلی ایرانشاهی، رحیم؛ بهجت پور عبدالکریم؛ نقیب، سیدمحمد (۱۴۰۰ش)، «بررسی نقش آیه «فاصدع بما تؤمر...» در کیفیت دعوت رسول اکرم (ص)»، *پژوهش های قرآنی*، سال ۲۶، شماره ۹۸.
۲۶. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (بی تا)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار المعرفه.

کارکرد سوره‌های آغازین دوره‌ی مکی همراه با قرائن تاریخی و عقلی در بازیابی کیفیت دعوت پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت

۲۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، مؤسسه‌ی النشر الاسلامی.
۲۸. خوبی، ابوالقاسم (بی‌تا)، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه‌ی احیاء آثار الامام الخوئی.
۲۹. داداش‌نژاد، منصور (۱۳۹۳ش)، *سیره‌نویسان و قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۰. دروزه، محمد عزت (۱۴۰۰ق)، *سیره الرسول صور مقتبسه من القرآن الکریم*، بیروت، المكتبة العصریة.
۳۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۲. سبجانی، جعفر (۱۳۸۷ش)، *فروع ابدیت*، قم، بوستان کتاب.
۳۳. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ق)، *الایتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۴. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۵. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت.
۳۶. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *فتح القدير، دمشق / بیروت*، دار ابن کثیر - دار الکتب الطیب.
۳۷. صالح، صبحی (۱۳۷۲ش)، *مباحث فی علوم القرآن*، قم، منشورات الرضی.
۳۸. صنعانی، عبدالرزاق (بی‌تا)، *المصنف*، بی‌جا، منشورات المجلس العلمی.
۳۹. طایبی، النجاج (۱۳۸۲ق)، *السیره النبویة*، بیروت، مؤسسه‌ی البلاغ.
۴۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
۴۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)*، بیروت، دار التراث.
۴۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیة.
۴۶. فقهی‌زاده، عبدالهادی، (۱۳۷۸ش)، «نگاهی دیگر به واقعه انقطاع وحی»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۶۵.

۴۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ق)، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۲ش)، *درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی*، قم، نصاب.
۵۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۵۱. مسلم (بی تا)، *الجامع الصحيح*، بیروت، دارالفکر.
۵۲. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۳. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸ش)، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت.
۵۴. محمدی انویق، مجتبی؛ خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۵ش)، «بررسی دعوت پیامبر اکرم (ص) بر اساس آیه ۲۱۴ شعراء و ۹۴ حجر»، *مطالعات تفسیری*، سال هفتم، شماره ۲۸.
۵۵. محمدی انویق، مجتبی؛ خوش منش، ابوالفضل (۱۴۰۰ش)، «بررس تحلیلی روایات دعوت مخفی پیامبر اکرم (ص) در سال‌های آغازین بعثت»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، سال ۱۸، شماره ۵۰.
۵۶. نسایی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (۱۴۱۱ق)، *السنن الکبری*، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری و حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۷. نصر، سید حسین (۱۳۹۹ش)، *تفسیر معاصرانه قرآن کریم*، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران، سوفیا.
۵۸. نکونام، جعفر (۱۳۸۱ش)، «پژوهشی درباره فترت وحی»، *صحیفه مبین*، شماره ۲۷ و ۲۸.
۵۹. نکونام، جعفر (۱۳۸۲ش)، «تفسیر سوره علق در بستر تاریخی»، *مقالات و بررسی‌ها*، سال شماره ۷۴.
۶۰. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق)، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر.